

# تضمینات قانونی و اساسی در دادرسی و تحقیقات مقدماتی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه)

یوسف علی باقریور<sup>۱</sup>

## مقدمه

جرم و مجازات ارتباط مستقیمی با هم دارند و توصیف یک عمل و یا ترک عملی به وصف جرم وابسته به این است که در قانون برای آن مجازاتی منظور شده باشد. کیفر دادن فردی که مرتکب عملی شد، تنها زمانی ممکن است که عمل ارتكابی طبق قانون جرم باشد و در مراجع صالح قضایی به کیفر و مجازات آن محکوم شده باشد، لذا پیش از دادرسی و محکومیت مجرم به وسیله مقامات صالح نمی‌توان مجازاتی را بر او تحمیل کرد.

عملیات و بررسی‌های مرجع این تشخیص که عمل ارتكابی، عمل مجرمانه است یا خیر؟، عامل آن مجرم است یا خیر؟ و تعیین کیفر قانونی و نیز صلاحیت مقامات قضایی از اصول و مقررات خاصی پیروی می‌کند که به آن آیین دادرسی کیفری می‌گویند. جست و جو، تأیید، تعقیب، تحقیق، رسیدگی، صدور رأی و اجرای حکم، سلسله اقداماتی است که در جریان یک دادرسی کیفری شکل می‌گیرند.

## دادرسی کیفری ایران و فرانسه

نخستین آیین دادرسی کیفری فرانسه پس از انقلاب با عنوان مجموعه قوانین تحقیقات جنایی مصوب ۱۸۰۸ معروف به کد ناپلئون شکل گرفت و حقوق دانان تنظیم کننده آن تلاش

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی نراق.

کردند تا سیستم تفتیشی و اتهامی را در ساختار آن تلفیق نمایند و سیستم اتهامی حاکم بر مجموعه قوانین جزایی حاکم بر فرانسه مقتبس از حقوق انگلستان با تدوین کد ناپلئون در سال ۱۸۰۸ از بین رفت. به عبارت دیگر، سیستم‌های مختلف دادرسی در کشور فرانسه عملی گردید و «در نهایت انزجار فرانسویان از سیستم اتهامی مقتبس از حقوق انگلستان سبب شد تا حقوق دانانی که به دستور ناپلئون مجموعه قوانین تحقیقات جنایی فرانسه را در سال ۱۸۰۸ تدوین کردند، بکوشند تا دو نظام مذکور را با هم تلفیق کنند. بدین ترتیب نظام ثالثی که به نظام مختلط مرسوم است از ترکیب آن دو به وجود آمد و الهام بخش قوانین بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایتالیا، آلمان، سوئیس، ترکیه، تونس، الجزایر، مصر، اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای سوسیالیستی اروپای مرکزی سابق و از جمله ایران گردید.»<sup>۱</sup>

پس از انقلاب، حمایت از منافع فرد و حفظ منافع جامعه، قوانین کیفری فرانسه را زمانی به سوی حاکمیت بیشتر دادرسی اتهامی و زمانی به سوی حاکمیت بیشتر دادرسی تفتیشی سوق داد تا اینکه قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در سال ۱۹۵۸ به گونه‌ای منطبق‌تر با اوضاع و احوال و واضح‌تر از قانون قبلی پا گرفت.

بنابراین، در فرانسه، دادرسی کیفری که ۱۵۰ سال مطابق مجموعه قوانین تحقیقات کیفری ۱۸۰۸ مقرر شده بود، حالا به وسیله مجموعه قوانین دادرسی کیفری «ق. د. ک.» (قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۵۷) و فرمان ۵۸-۱۲۹۶ بیست و سوم دسامبر ۱۹۵۸ و قوانین متعددی مخصوصاً قوانین ۳۰ دسامبر ۱۹۸۵ و ۹ سپتامبر ۱۹۸۶ و ۶ ژوئیه ۱۹۸۹ و ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۱، به ویژه ۴ ژانویه ۱۹۹۳، اصلاح شده با قانون ۲۴ اوت ۱۹۹۳ که آن را تکمیل کرده‌اند، تنظیم شده است.<sup>۲</sup> این تغییرات و اصلاحات بیشتر در ارتباط با مرحله تحقیقات مقدماتی است تا مرحله رسیدگی و صدور حکم، و رعایت حقوق متهم و تأمین آزادی‌های او، نه تنها در دادگاه رسیدگی‌کننده، بلکه در مرحله بازپرسی نیز پیش از پیش مورد توجه قانون‌گذار فرانسوی قرار داشته است.

نخستین قانون آیین دادرسی کیفری ایران در عصر مشروطه تحت عنوان «قوانین موقتی اصول محاکمات جزایی» در نهم رمضان ۱۳۳۰ هجری قمری مطابق با یازدهم شهریور ماه ۱۲۹۰ هجری شمسی مقتبس از مجموعه قوانین تحقیقات جنایی مصوب ۱۸۰۸ فرانسه

۱. محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۳۵.

۲. گاستون استفانی و... آیین دادرسی کیفری (فرانسه) ترجمه حسن دادیان، ج ۱، ص ۲.

تدوین گردید و سیستم دادرسی نفتیشی و اتهامی را در دو مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی مقرر کرده است.

این قانون به دفعات به اقتضای شرایط و اوضاع، اصلاح گردیده است که می‌توان به اصلاحات دهم خرداد ۱۳۱۱<sup>۱</sup>، اصلاحات بهمن ۱۳۳۵<sup>۲</sup>، مرداد ۱۳۳۷<sup>۳</sup>، بهمن ۱۳۵۲<sup>۴</sup> و اصلاحات ۱۳۵۶<sup>۵</sup> اشاره کرد. این قانون تا تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳ متداول بود. با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳ و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در سال ۱۳۷۸ در کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس، سیستم مختلط فرانسوی به سیستم مختلط جدیدی که حذف دادرسی از تشکیلات دادگستری عمومی و انقلاب مهم‌ترین ویژگی آن است، تبدیل شد. البته این سیستم تنها در مورد دادگاه‌های عمومی و انقلاب عملی گردید، آیین دادرسی و تشکیلات قضایی مربوط به سازمان قضایی نیروهای مسلح و دادگاه‌های ویژه روحانیت کماکان بر مبنای سیستم مختلط قبلی استوار بود. قانون‌گذار پس از اینکه نتوانست از حذف دادرسی به نتیجه‌ای که می‌خواست دست یابد، قانون ت. د. ع. و. ا را در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۲۸ اصلاح نمود و دوباره دادرسی را احیا و تحقیقات مقدماتی را از رسیدگی تفکیک نمود.

## دادرسی اسلامی

اصول و مقررات دادرسی کیفری در حقوق اسلامی با سیستم‌های سه گانه دادرسی (اتهامی، نفتیشی و مختلط) متفاوت به نظر می‌رسد. از یک طرف با داشتن ویژگی‌های علنی، شفاهی و توافقی بودن رسیدگی، مراجعه مستقیم به قاضی و اقامه دعوی در برابر او، وحدت قاضی و پذیرش قسامه در جرایم علیه تمامیت جسمانی (قصاص و جراحات) با دادرسی اتهامی همانند است و از طرف دیگر با پذیرش سیستم دلایل قانونی و مجاز بودن قاضی به انجام تحقیقات لازم برای دستیابی به حقیقت، عدم ضرورت طرح شکایات از

۱. قانون اصلاح اصول محاکمات جزایی.

۲. لایحه اصلاح فسمتی از قانون آیین دادرسی کیفری (از ماده ۱۶۲۸).

۳. لایحه اصلاح بقیه مراد قانون ا. د. ک (از ماده ۱۶۹ تا آخر).

۴. قانون تسریع دادرسی و اصلاح فسمتی از قوانین ا. د. ک.

۵. قانون اصلاح پارهای از قوانین دادگستری.

سوی شاکی خصوصی در جرایم حق‌اللهی، عدم ضرورت تفکیک بین مراحل تعقیب، تحقیق و رسیدگی و پذیرش رسیدگی یک درجه‌ای با دادرسی تفتیشی، لذا می‌توان گفت که سیستم دادرسی در حقوق اسلامی، سیستم مختلط مستقل و مخصوص به خود با حاکمیت بیشتر ویژگی‌های نظام اتهامی دادرسی است.

به نظر می‌رسد که احقاق حق، جلوگیری از تضییع حقوق مردم، دادن کیفر مناسب به مجرم و تأمین منافع فرد و جامعه در پرتو دادرسی و قضاوت صحیح مورد توجه ویژه اسلام است و تأمین هدف در بستری نامناسب و مخالف با اصول عدالت در زندگی انسانی را نمی‌پذیرد، لذا تعیین دادرسی در نظام حقوقی اسلامی باید به گونه‌ای تدوین گردد که ضمن اجتناب از شیوه‌های ذاتاً نامطلوب، شیوه‌های دیگر به کارگیری شده به تأمین هدف کمک نماید. ظاهراً به همین جهت است که حکم بر اساس اقرار ناشی از اجبار و شکنجه را معتبر نمی‌داند.<sup>۱</sup> در کتاب مبانی فقهی حکومت اسلامی آمده است:

«بر امام و قضات جایز نیست که بر اقرار متهمانی که به نحوی با استفاده از اسباب و ابزارهای تحقیق و تجسس مانند حبس، تخویف، شکنجه و استفاده از حیل‌ها و نیرنگ‌های دیگر دست به اعتراف می‌زنند، اعتماد کنند و این چنین اعترافات و اقرارهایی در محاکم شرع، فاقد ارزش و اعتبار می‌باشد».<sup>۲</sup>

هم‌چنین، حکم به حق بر اساس عدم علم قاضی به حکم حقیقی را موجب عذاب وی دانسته است<sup>۳</sup> و نیز به همین جهت است که از یک طرف مرحوم مدرس درباره «قوانین موقتی اصول محاکمات جزایی» که از سال ۱۳۱۸ به «آیین دادرسی کیفری» تغییر نام داد و سیستم مختلط تقریباً از نوع فرانسوی بر آن حاکم است - فرموده است: «امور جزایی که به محاکم صلحیه و محاکم جنایی اختصاصی که بر طبق قانون تشکیلات باشد ارجاع می‌شود، موافق شرع انور است و مواد متعلقه به امور اداری، مخالفتی با قوانین اسلامی ندارد» و از طرف دیگر شورای نگهبان، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری را که تفکیک بین مراحل تحقیقات مقدماتی و رسیدگی را از بین برده است، مورد تأیید قرار داده است و پس از آن، قانون احیا دادرسی را نیز پذیرفته است.

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب ۷، ح ۲، از ابواب حد سرقت و اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. حسینعلی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی، ج ۳، ص ۵۸۱.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب ۴، حدیث ۶ از ابواب صفات قاضی.

## اهمیت دادرسی کیفری

گفته‌اند: «چنانچه به کشوری ناشناخته گام نهید و مشتاق آگاهی از حقوق و آزادی فردی و ارزش و اعتباری که جامعه برای آن قائل است باشید، کافی است به قانون آیین دادرسی کیفری آن مراجعه کنید.»<sup>۱</sup>

دقت و تأمل در عبارت فوق، میزان اهمیت دادرسی کیفری را برای ما روشن می‌نماید و اصولاً اهداف و فواید حقوق جزا که عبارت است از، حفظ حقوق فردی و اجتماعی، تأمین نظم و امنیت و آرامش جامعه، اجرای عدالت کیفری و اصلاح و تربیت بزهکاران، بدون دادرسی کیفری مناسب تحقق نمی‌یابد، بلکه ممکن است حقوق جزا را در جهت مخالف اهداف آن به جریان درآورد.

هنگامی که یک عمل مجرمانه در جامعه به وقوع می‌پیوندد، موارد مختلفی توجه ما را به خود جلب کند:

۱. زیان دیده از جرم: زیان دیده، از جرم ممکن است جامعه و یا فردی از افراد جامعه و یا هم جامعه و هم فردی از جامعه باشد. بدیهی است که هر یک از زبان‌های وارده به فرد و جامعه باید به درستی ارزیابی و به گونه‌ای مناسب جبران گردد.

۲. جرم: ترسیم درست عمل مجرمانه و توجه به شخصیت و اوضاع و احوال مجرم و شرایط اجتماعی برای تشخیص و تعیین کیفر مناسب دارای اهمیت خاصی است.

۳. مجرم: غالباً در جرایم ارتكابی به‌ویژه در جرایم سنگین و جنایات، فرد یا افرادی به عنوان مظنون و متهم مورد تعقیب و تحقیق قرار می‌گیرند. در این جا ممکن است مجرم واقعی یک نفر و آن، همان متهم یا فردی از متهمین و یا فردی غیر از افراد متهم باشد و ممکن است چند نفر و آنان، همان متهمین و یا افرادی غیر از متهمین و یا از متهمین و غیر متهمین باشند. ضمن اینکه توجه به مباشرت و معاونت و تسبیب، فروضی را مطرح می‌نماید که بر ظرافت مسئله می‌افزاید، لذا یافتن راه‌ها و شیوه‌های ظریف و حساب شده برای جست‌وجو، تأیید، تعقیب و تحقیق، و در نتیجه شناخت مجرم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بنابراین از یک طرف، اگر جامعه در مقابل جرم ارتكابی و مجرم واکنش نشان ندهد، ضربات سنگینی بر جامعه وارد خواهد شد که حیات فردی و اجتماعی مردم را مختل

۱. محمد آشوری، همان، ج ۱، ص ۱.

نموده، جامعه را به هرج و مرج می‌کشاند، لذا معمولاً در جوامع مختلف، دولت و قدرت عمومی برای ایجاد نظم و امنیت، تدابیر تأمینتی و تربیتی و مجازات‌هایی را برای جرایم منظور می‌نماید، ولی تجربه نشان می‌دهد که در نظر گرفتن مجازات نسبتاً شدید برای جرایم در جهت دفاع مؤثر جامعه و تأمین نظم و امنیت و تضمین حیات و اموال مردم کفایت نمی‌کند و تأخیر و تزلزل در اجرای مجازات به مصلحت جامعه نیست و باید مقرراتی وجود داشته باشد که منجر به کشف سریع جرم و مجرم‌گشته و مجرم به سرعت و به‌طور قطعی مجازات گردد.

از طرف دیگر، در تعقیب و تحقیق و رسیدگی باید به شیوه‌ای عمل شود که مجرم واقعی شناخته شود و بدیهی است که قصور و کوتاهی در این زمینه سبب خواهد شد زیان‌های جدیدی بر جامعه تحمیل گردد؛ زیرا ممکن است فرد بی‌گناهی به عنوان مجرم تلقی گردد و به مجازات برسد و در مقابل، مجرم از مجازات رهایی یابد. در این‌جا نه تنها با مجازات متهم بی‌گناه، زیان وارده جبران نگردید، بلکه زیان و لطمه تاره‌ای به فرد و جامعه وارد شده است و لطمه و زبانی که از راه محکومیت بی‌گناه و رهایی مجرم واقعی بر پیکره جامعه وارد می‌شود به مراتب بیشتر از مجازات نکردن مجرم است، لذا گفته‌اند - درست هم گفته‌اند - که مجازات نکردن صد نفر مجرم، بهتر از محکوم کردن یک نفر بی‌گناه است، برای مثال بازرسی منزل و یا توقیف احتیاطی متهم در زمان تحقیقات مقدماتی اگرچه ممکن است برای شناخت جرم و مجرم کمک کند، ولی پرداختن بی‌رویه به بازرسی از منزل و توقیف احتیاطی متهم، اولاً؛ ممکن است امنیت خصوصی و خانوادگی افراد جامعه را به مخاطره اندازد و جلوی آزادی‌های قانونی آنان را بگیرد و در نهایت به جامعه و ارتباطات اجتماعی خدشه وارد سازد و ثانیاً؛ دفاع متهم را دچار اشکال نماید و به حق دفاع او زیان رساند و بی‌گناهی، گناه کار فله‌م‌داد شود.

بنابراین، وجود دادرسی کیفری، ضرورتی انکارناپذیر است و باید طوری باشد که ضمن دفاع مؤثر از جامعه و جبران زیان‌های وارده بر فرد و جامعه و کمک به کشف جرم و مجرم و ترسیم درست و دقیق عمل مجرمانه، آزادی‌های فردی متهم و حق دفاع او را تأمین نماید.

تلفیق بین حفظ نظم و آرامش و بین حفظ آزادی‌های فردی و یا جمع بین اجتناب از خطر هرج و مرج و ناامنی و اجتناب از خطر تحدید و سلب آزادی و حق دفاع، و انتخاب یک مسیر میانه و معتدل، ساده و آسان نیست، بلکه کار بسیار پیچیده، هنرمندانه، اندیشمندانه و نیازمند به مطالعات عمیق و گسترده است، لذا فرانسه انقلابی که به جهت تنفر از شیوه

تفتیشی به سوی روش اتهامی روی آورده بود، در نظام جدید به خطراتی دست یافت که چاره‌ای جز ایجاد یک نظام مختلط ندید و در این نظام دادرسی که به دفعات اصلاح گردید، عمده توجه قانون‌گذاران فرانسوی این بود که به همراه حفظ نظم و امنیت جامعه، آزادی‌های فردی و حق دفاع متهم، عمیق‌تر و گسترده‌تر شود و قانون‌گذار ایرانی نیز که احساس می‌کرد ساختار دادرسی قضایی و کیفری موجود توانسته است در عرصه عمل موفق باشد و به نگرانی‌ها خاتمه دهد و به دنبال راهی برای رفع نگرانی‌ها و مشکلات بود، گام بلندی برداشت و تغییرات وسیعی در نظام دادرسی گذشته ایجاد کرد.

این تغییرات، نتوانست به تأمین هدف کمک نماید، بلکه می‌توان گفت موجب ایجاد نگرانی‌ها و نطمه‌هایی بر نظم و امنیت و بر آزادی‌ها گردید و مسئولین قضایی کشور را که به دنبال تحقق یک دادرسی اسلامی هستند، به اصلاح ساختار قضایی و کیفری وادار کرد تا نگرانی جامعه در زمینه نظم و آرامش اجتماعی و آزادی‌های فردی برطرف گردد.

### تحقیقات مقدماتی

عمل مجرمانه ممکن است دارای دو جنبه باشد، یکی جنبه عمومی، از آن جهت که مخل به حقوق جامعه و نظم همگانی است و دیگری جنبه خصوصی، از آن جهت که به حقوق شخص یا اشخاص معین حقیقی یا حقوقی زیان می‌رساند.

هر جرمی که اتفاق می‌افتد، جنبه الهی و عمومی دارد<sup>۱</sup> و ممکن است جنبه خصوصی هم داشته باشد یا نداشته باشد. دعوی عمومی و دعوی خصوصی از این دو جنبه جرم ناشی می‌شوند. بنابراین، در هر دعوی کیفری، دو یا سه نفر حضور دارند، مدعی خصوصی یا شاکی، مدعی عمومی و متهم. مدعی خصوصی در دعاوی حقوقی برای اثبات ادعای خویش به مقتضای قاعده «البینه علی المدعی»، مکلف به تحصیل دلیل و ارائه آن می‌باشد، ولی در امور کیفری، مدعی خصوصی در بسیاری از موارد، تحصیل دلیل را به عهده مقام تحقیق قرار می‌دهد و در واقع این مقام تعقیب و تحقیق است که در جرایم، به تعقیب و تحقیق درباره عمل مجرمانه و تحصیل دلیل و ارائه آن می‌پردازد.

تحقیقات مقدماتی از مراحل حساس و مهم دادرسی و از وظایف اساسی عدالت کیفری می‌باشد و صدور حکم عادلانه همیشه نیازمند به انجام آن است. این تحقیقات که به محض

۱. ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.

آگاهی از جرم شروع می‌شود، به منظور آماده کردن دعوای جزایی برای رسیدگی و تسهیل و تسریع در رسیدگی در جرایم مهم و تشخیص اتهام درست از نادرست، از اهمیت عملی و قضایی قابل توجهی برخوردار است. نتیجه تحقیقاتی مقدماتی در تعیین سرنوشت قضایی متهم نقش اساسی دارد و ممکن است او را از تعقیب کیفری معاف سازد و یابه پای میز محاکمه بکشد. لذا باید به گونه‌ای آماده شود که زمینه شناخت حقیقت را با صحیح‌ترین صورت ممکن فراهم سازد. تحقیقات در سه مرحله ممکن است صورت پذیرد:

۱. مرحله ابتدایی و پیش از حضور مقام تحقیق، به ویژه در جرایم مشهود؛
۲. مرحله مبانی که در جریان تحقیقات مقدماتی به معنای اخص کلمه به وسیله مقام قضایی و یا به دستور او توسط ضابط دادگستری و یا اهل خبره شکل می‌گیرد؛
۳. مرحله نهایی و در جریان دادرسی، چون قاضی دادگاه ممکن است تحقیقات بیشتر را لازم و ضروری تشخیص دهد.

### مفهوم تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقداماتی است در مورد یک عمل مجرمانه برای اطلاع از واقعیت انجام می‌گیرد و ناظر به بخشی از اقدامات یا کلیه اقداماتی است که پیش از جلسه محاکمه و رسیدگی در دادگاه مرجع رأی صورت می‌پذیرد؛ زیرا رسیدگی به جرم در آیین دادرسی کیفری، مراحل مختلفی دارد که عبارت است از مرحله کشف جرم، مرحله تعقیب، مرحله تحقیق، مرحله صدور رأی و مرحله اجرای حکم و از طرف دیگر، معمولاً در تشکیلات قضایی، یک مقام قضایی به نام بازپرس یا قاضی تحقیق وجود دارد که طبق قانون، بخشی از تحقیقات پیرامون جرم به عهده او گذاشته می‌شود.

بنابراین، تحقیقات مقدماتی بسته به اینکه، اقدام پیش از جلسه محاکمه، مورد توجه باشد و یا اقدام به وسیله یک مقام قضایی، دو معنای مختلف دارد:

#### ۱. معنای عام و وسیع

تحقیقات مقدماتی در این معنا به کلیه اقداماتی اطلاق می‌گردد که از لحظه وقوع جرم تا ارسال پرونده به دادگاه مرجع رأی انجام می‌شود و به عبارت دیگر به جست و جو و جمع‌آوری عناصری که به منظور امکان اتخاذ تصمیم برای قاضی مرجع رأی تهیه می‌شود، اطلاق می‌گردد.



## ۲. معنای خاص و محدود

تحقیقات مقدماتی در این معنا به مرحله‌ای از دادرسی کیفری اطلاق می‌شود که در آن یک نفر مقام قضایی به کمک اختیاراتی که قانون به او سپرده است به جمع‌آوری دلایل و تشخیص صحت و سقم اتهام وارده می‌پردازند. تحقیقات مقدماتی در آیین دادرسی کیفری فرانسه تعریف نشده و قوانین آن قابلیت پذیرش هر یک از دو معنا را به مناسبت، دارا است. قانون آیین دادرسی کیفری سابق در ایران به همین ترتیب به تعریف تحقیقات مقدماتی نپرداخته است و با توجه به اینکه در معنای خاص تحقیقات مقدماتی تردیدی وجود ندارد، به معنای عام هم به کار گرفته شده است، مثل ماده ۵۹ ق.ا.د.ک سابق قسمت «ب» که در آن عبارت «...و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد...»، در معنای عام استفاده شده است.

آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تحقیقات مقدماتی را در ۱۹ به شرح زیر تعریف کرد:

«تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدو بپیگرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضایی صورت می‌گیرد. ضابطین دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند. در تعریف، معنای عام مورد توجه قرار گرفت. براساس این تعریف، تحقیقات مقدماتی به اقدامات قاضی تحقیق محدود نیست و کلیه اقدامات انجام شده توسط قاضی تحقیق و ضابطین دادگستری و هم‌چنین اظهار نظرات انجام شده توسط سایر اشخاص از قبیل کارشناسان و غیره را در برمی‌گیرد.

با این وجود باید گفت که عنوان تحقیقات در مواد قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، ناظر به تحقیقات مقدماتی به معنای اخص کلمه است و این تعریف یا باید حذف شده و انعطاف مواد قانونی در این زمینه تأمین شود و یا اصلاح گردد.

## ویژگی‌های تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی و بازپرسی در حقوق ایران و فرانسه به صورت تفتیشی است، یعنی ویژگی‌های غیر علنی و یا سری بودن، غیر توافقی و یا غیر حضوری بودن، کتبی بودن و سرعت را دارا می‌باشد.

### ۱. غیر علنی بودن

غیر علنی بودن به این معنا است که تحقیقات به‌طور محرمانه صورت می‌گیرد و عموم به

آن دسترسی ندارند. افراد عادی اعم از خبرنگاران و غیر آنان حق ورود به بازپرسی بدون اجازه متهم و یا قاضی تحقیق و یا هر دوی آنها را حسب مورد ندارند. شهود در جریان اظهارات یکدیگر نیستند و متهم، شاکی و شاهد به طور جداگانه مورد بازجویی قرار می‌گیرند.<sup>۱</sup> تصمیماتی که از طرف مقام تحقیق اتخاذ می‌شود، علنی نبوده و در جلسه غیر علنی صادر می‌شود.<sup>۲</sup>

ماده ۱۵۲ ق.ا.د.ک ایران مقرر می‌دارد:

«تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعین قبل از محاکمه غیر علنی است.»

بنابراین، غیر علنی بودن نباید به گونه‌ای باشد و یا مورد تفسیر قرار گیرد که به حق دفاع متهم خدشه وارد شود. حق استفاده از وکیل، حفظ اسرار متهم و اسرار حرفه‌ای او باید مورد توجه قرار گیرد.

ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به متهم اجازه داده است که «یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بدانند، به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌شود.» در حقوق فرانسه، حق استفاده از وکیل در مجموعه قوانین تحقیقات جنایی ۱۸۰۸ منظور نشده بود، ولی قانون ۸ دسامبر ۱۸۹۷ تغییرات وسیعی در تشریفات تحقیقات مقدماتی ایجاد کرد که براساس آن، متهم می‌تواند از اولین حضورش در برابر بازپرس از یک مشاوره استفاده نماید و بالاخره براساس قانون ۴ ژانویه ۱۹۹۳ وکیل، دسترسی وسیع‌تری در دادرسی پیدا کرده است.

حفظ اسرار متهم، تکلیف و وظیفه هر مقامی است که در تحقیقات مقدماتی شرکت می‌نماید و اهل خیره و کارشناسان نیز مکلف به حفظ اسرار حرفه‌ای خود هستند. در ماده ۱۱ ق.ا.د.ک فرانسه تذکر داده شده است؛ «جز در مواردی که قانون طور دیگر مقرر بدارد و بدون ایراد آسیب به حقوق دفاع، دادرسی در جریان رسیدگی پلیسی و تحقیقات مقدماتی محرمانه است. کلیه کسانی که در این دادرسی شرکت دارند مکلف به حفظ راز حرفه‌ای در شرایط و با مجازات‌های مواد ۳۷۸ قانون جزای فرانسه هستند.»

۱. ر.ک: ماده ۱۵۱ ق.ا.د.ک دادگاه‌های عمومی و انقلاب.

۲. ماده ۱۹۹ ق.ا.د.ک فرانسه و نظریه مشورتی اداره حقوقی شماره ۷/۱۶۶ مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۴.

## ۲. غیر ترافعی بودن

غیر ترافعی بودن به وصفی گفته می‌شود که در آن مباحثه حضوری شاکی و متهم و یا وکلای آنان و نیز اطلاع طرفین از ادله خلاف هم وجود ندارد. متهم در مرحله رسیدگی، از کلیه دلایل و اقدامات انجام شده علیه خود آگاه بوده، می‌تواند دلایل خلاف آن را به دادگاه ارائه بدهد، ولی قاضی تحقیق در مرحله تحقیق مکلف نیست که کلیه اقدامات انجام شده را به اطلاع متهم برساند.

قوانین کشورهای مختلف، به منظور دادن امکان دفاع بهتر و بیشتر به متهم در جهت حضوری کردن بازپرسی قدم برداشتند. حق همراه داشتن وکیل که پیش از این گذشت، صفت غیر ترافعی بودن تحقیقات را تخفیف می‌دهد. این صفت در حقوق فرانسه به‌ویژه با قانون ۴ ژانویه ۱۹۹۳ به شدت تخفیف یافته است، به گونه‌ای که صفت حضوری بودن در آن غلبه دارد. این قانون سعی کرده است شخص تحت تعقیب و مدعی خصوصی را تقریباً با دادرسی به‌طور برابر در نظر بگیرد، در مورد جلسه رسیدگی شعبه اتهام، صفت حضوری بودن بسیار مشخص شده است. لوایحی که هر یک از طرفین به دادگاه تقدیم می‌کنند، باید به دیگران ابلاغ شود.<sup>۱</sup>

## ۳. کتبی بودن

کتبی بودن، الهام گرفته از دادرسی تفتیشی دوران نفتیش عقاید است. قاضی تحقیق به تهیه صورت جلسه‌ها، اوراق و اسناد که بازگوکننده جریان وقوع جرم است، اقدام می‌کند. کلیه اوراق، اسناد و تصمیمات مربوط به تحقیقات در پرونده‌ای که پایه و اساس دادرسی‌های کیفری قرار می‌گیرد، جمع می‌شود و کتبی بودن تحقیقات در عصر کنونی که زندگی اجتماعی و مسائل و مشکلات آن، پیچیده و متنوع گردیده است، به منظور تسهیل در امر تحقیقات و جلوگیری از امحاء دلایل صورت می‌پذیرد.

## ۴. سرعت

تأخیر در تحقیقات ممکن است موجب شود آثار و علائم جرم از بین برود و یا متهم فرار کرده و یا مخفی گردد.

ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مقرر می‌دارد: «دادرسان و قضات تحقیق مکلفند اقدامات فوری برای جلوگیری از امحاء آثار و علائم

۱. ماده ۱۹۸ ق. د. ک فرانسه.

جرم به عمل آورده و در تحصیل و جمع‌آوری اسباب و دلایل جرم به هیچ‌وجه نباید تأخیر نمایند».

ماده ۶۱ قانون مزبور مقرر می‌دارد:

«تحقیقات مقدماتی باید سریع انجام شود و تعطیلات مانع از انجام تحقیقات نمی‌شود». سرعت دادرسی و پایان دادن هرچه زودتر به پرونده متهم به جرم در حقوق فرانسه از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. این صفت که در قانون تحقیقات کیفری وجود داشت، در اصلاحیه‌های بعدی تلاش شده است، تشدید گردد، و ظاهراً به منظور تسریع در رسیدگی و جلوگیری از وقفه‌ای که ممکن است بر اثر مبادله پرونده بین بازپرسی و مقام بالاتر انجام شود، در قانون دادرسی کیفری علی‌رغم میل به شفاهی کردن تحقیقات، پیش‌بینی شده است که پرونده باید در نسخه‌های متعددی تهیه شود<sup>۱</sup> تا موقعی که مقام بالاتر کار قبلی را نظارت می‌کند بازپرس بتواند اقدام کند.

## تضمینات قانونی و اساسی

تضمینات مقرر در قوانین موضوعه و اسناد بین‌المللی

فعالیت در عرصه‌های مختلف زندگی، امری عادی، طبیعی و ضروری در حیات فردی و اجتماعی بشر است که ممکن است ذهنی، زبانی و یا بدنی باشد. رفتارهای سالم، سخنان مفید و تصورات مثبت، زمینه‌ساز یک زندگی سالم برای جامعه است. زندگی بشر نیز بر این اصل استوار است که افراد به مقتضای فطرت انسانی خویش، پاک‌منش، حقیقت‌طلب و به دنبال فعالیت‌های مثبت و اعمال مفیدند. تعارض بین فرد و جامعه، نقصان وجودی، ضرورت، بیماری‌های خاص و مسائلی از این قبیل، سبب می‌شود که برخی از افراد برخلاف جریان سالم فعالیت‌های اجتماعی به اقداماتی روی آوردند که موجب اختلال در نظم همگانی و تضییع حقوق افراد می‌گردد.

سیاست دولت که مسئول نظم و امنیت جامعه به نمایندگی از افراد جامعه است، باید به گونه‌ای تدوین و اجرا شود که ضمن بسترسازی مناسب برای فعالیت‌های مختلف اجتماعی، زمینه و شرایط رفتارهای متعوضانه و اعمال مجرمانه از زندگی فردی و اجتماعی مردم برطرف شود. برخورد با مرتکب و یا مرتکبین اعمال مجرمانه نیز باید در جهت تأمین

۱. ماده ۸۱ بند ۲ ق. د. ک فرانسه.

حقوق فرد و جامعه باشد. به همین جهت است که دستگاه‌های حکومتی و قضایی، اهمیت ویژه‌ای برای شناخت حقیقی اعمال مجرمانه و راه‌های پیش‌گیری و برخورد با آنها قائل هستند و تعریف و تحدید آنها و تعیین کیفرهای متناسب و راه جبران آن به نمایندگی از جامعه، از وظایف و تکالیف مهم حکومت به شمار می‌رود.

اگر برخورد با مجرم و مجازات کردن وی، ساختار نظم و امنیت اجتماعی را حفظ می‌کند، مجرم قلمداد کردن متهمی که ممکن است بی‌گناه باشد، و مجازات کردن وی، آن را درهم می‌شکند. اگر حفظ نظم همگانی و جلوگیری از تضييع حقوق مردم، خواهان آن است که نهادی چون دادسرا به نمایندگی از جامعه، اختیاراتی در زمینه تعقیب، تحقیق، معاینات و انجام دستورات مختلف داشته باشد، هم‌چنین می‌طلبد که متهم نیز از آزادی‌ها، اختیارات و حقوقی در فضای اتهام علیه خویش برخوردار باشد تا بتواند در برابر اتهامات علیه خویش به درستی دفاع نماید.

بنابراین، دولت باید شیوه‌ای را برنامه‌ریزی و اجرا نماید که از یک طرف، جرم ارتكابی به درستی، ترسیم، و مجرم، شناخته شده و از بابت عمل ارتكابی با سرعت و قاطعیت مجازات گردد و از طرف دیگر؛ راه مجرم قلمداد شدن متهم بی‌گناه بسته شود و مجرم نیز به میزان جرم خویش مجرم شناخته شده، مجازات گردد، از این‌رو، لازم است در اعطای اختیارات و تضمین‌ها به گونه‌ای عمل کند که هیچ حقی مورد تعرض قرار نگیرد، مثلاً واگذار نمودن اختیار تحقیق و معاینه به مقام ویژه‌ای که اختیار تعقیب و قضاوت را برعهده نداشته باشد، سبب می‌شود اعمال عدالت دور از هرگونه شائبه‌ای میسر گردد، چون قضاوت نسبت به دلایلی که خود شخص قبلاً آنها را جمع‌آوری نموده، کار آسانی نیست و بیم جانب‌داری در آن وجود دارد و با تفکیک قضاوت از بازپرسی، بی‌طرفی قاضی که درباره مجرمیت و یا بی‌گناهی متهم تصمیم می‌گیرد، تأمین می‌شود.

در این‌جا ابتدائاً؛ به تضمین‌های مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اشاره کرده و آنگاه به تضمین حقوق دفاع متهم در قوانین عادی ایران و فرانسه در تحقیقات و معاینات محل و بازرسی‌ها خواهیم پرداخت:

### قانون اساسی

قانون اساسی، قانون حاکم بر تمام مقررات موجود در دستگاه‌های مختلف نظام است. مصوبه‌های مجلس قانون‌گذاری نباید برخلاف اصول قانون اساسی باشد. اصل هفتاد و دوم

مقرر می‌دارد:

«مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد...»<sup>۱</sup> این اصل بر مصوبات دولت در صورتی که اجازه تصویب داشته باشد، نیز حاکم است.<sup>۱</sup>

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تضمیناتی مقرر شده است که به قرار زیر است:

اصل بیست و دوم: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل بیست و پنجم: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخایرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل سی و دوم: هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و سوم: هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

اصل سی و پنجم: در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. اصل سی و هفتم: اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل سی و هشتم: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

۱. اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

اصل سی و نهم: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

### میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مشتمل بر یک مقدمه و پنجاه و سه ماده در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مطابق با ۲۵ آذر ۱۳۴۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. این میثاق بین‌المللی در بهمن‌ماه ۱۳۵۴ به تصویب قوه مقننه ایران رسید و حداقل از قدرت اجرایی معادل سایر قوانین موضوعه برخوردار است و در سال ۱۹۸۱ در فرانسه قابلیت اجرا پیدا کرد.

بند ۲ ماده ۱۴:

هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد، حق دارد بی‌گناه فرض شود تا اینکه مقصر بودن او بر طبق قانون محرز شود.

بند ۳ ماده ۱۴:

هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لاقبل حق تضمین‌های ذیل را خواهد داشت:

(الف) در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود مطلع شود.

(ب) وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد.

(ج) بدون تأخیر غیرموجه درباره او قضاوت بشود.

(د) در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد، حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در اموری که مصالح دادگستری اقتضا نماید از طرف دادگاه رأساً برای او وکیلی تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت.

(ه) از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند، سؤالات بکند یا بخواهد از آنها سؤالاتی بشود و شهودی که له او شهادت می‌دهند با همان شرایط شهود علیه او احضار و از آنها سؤالات بشود.

(و) اگر زبانی را که در دادگاه تکلم می‌شود، نمی‌فهمد یا نمی‌تواند به آن تکلم کند یک

مترجم مجاناً به او کمک کند.

(ز) مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف نماید.

### اصول حاکم و حقوق دفاعی متهم

با توجه به آنچه از تضمینات مقرر در قوانین ملی و بین‌المللی اشاره شد و با ملاحظه اعلامیه‌های جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر و غیره، می‌توان به این نتیجه رسید که بر جریان معاینه و بازرسی، اصولی حاکم بوده و متهم نیز از حقوقی برای دفاع برخوردار است که رعایت آنها، امری اساسی و لازم و در جهت حفظ نظم و امنیت و احقاق حقوق افراد می‌باشد. برخی از اصول حاکم و حقوق دفاعی متهم به قرار زیر است:

#### اصل آزادی فردی

اصل آزادی فردی از حقوق اساسی، اولیه و فطری بشر است که در طی دوران زندگی خویش بر روی زمین برای حفظ و صیانت آن تلاش کرده است. این اصل مهم زندگی انسانی را می‌توان سرچشمه بسیاری از اصول و حقوق دیگر به شمار آورد. حق برخورداری از زندگی خصوصی، اختیار و انتخاب اقامتگاه، انتخاب کار و شغل، داشتن روابط مختلف رفتاری، گفتاری و نوشتاری با افراد جامعه، انجام رفت و آمد در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، داشتن اسم و رسم و موقعیت‌های اجتماعی و غیر آنها از جمله حقوق و اصولی هستند که از اصل آزادی فردی ناشی می‌شوند. بنابراین، همه افراد جامعه و از جمله دولت‌مردان و سیاست‌مداران باید در حفظ آن و ایجاد فضای مناسب برای حمایت از آن تلاش نمایند.

آزادی فردی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی کشور ایران و فرانسه مورد توجه و حمایت قرار گرفته است.

تعرض به زندگی خصوصی، مسکن، اقامتگاه، روابط گفتاری، نوشتاری و رفتاری، شغل، اموال، حیثیت و شرافت، رفت و آمد و اسرار زندگی که ممکن است در جریان تحقیقات مقدماتی و معاینات محلی و بازرسی‌ها روی دهد، از مظاهر تعرض و حمله به آزادی فردی افراد به شمار می‌آیند.

آزادی فردی به جهت تأمین نظم و امنیت عمومی و در نتیجه تعارض با حقوق مسلم جامعه می‌تواند محدودیت پیدا کند. حکم تبعید، زندان، محرومیت اجتماعی و غیره که



موجب تحدید آزادی فردی است، در نتیجه جرم و تعرض به حقوق جامعه و نظم همگانی صادر می‌شود. سؤال مهم این‌جا است که متهم، مجرم نیست و آیا می‌توان آزادی‌های فردی وی را محدود کرد یا خیر؟

قانون‌گذاران با تکیه بر اینکه از یک طرف، باید نظم همگانی و حقوق جامعه را مورد حمایت قرار دهند و از طرف دیگر، باید تا حد امکان آزادی فردی افراد را سلب نمایند، تلاش می‌کنند تا بین آن دو تلفیق نمایند.

جلب افراد، تحت نظر گرفتن، بازداشت موقت، ورود شبانه و خودسرانه به منزل افراد و برخی اعمال دیگر که در جریان تحقیقات و معاینات محلی ممکن است روی دهد، با اصل آزادی فردی مغایر است و عدم توجه به آن می‌تواند بسیاری از حقوق مسلم افراد را از آنان سلب نماید، لذا قانون‌گذاران ایران و فرانسه در مواد قانونی خویش، در صدد برآمدن تا آن را حفظ نمایند. در این میان، سهم حقوق فرانسه بیشتر است و تحقیقات مغایر با آزادی فردی را در مواردی موجب ابطال آنها می‌داند.

#### اصل برائت متهم

اصل برائت که می‌توان آن را میراث مشترک حقوقی همه ملل متوفی جهان محسوب کرد، در یکی دو قرن اخیر و به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم مورد اقبال و عنایت خاص حقوق‌دانان و قانون‌گذاران در حقوق داخلی کشور و نیز موضوع اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها در سطح منطقه‌ای و یا بین‌المللی قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

در حقوق ایران، اصل برائت همان‌گونه که گذشت، به صراحت در اصل سسی و هفتم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. اعلام اصل برائت به عنوان یکی از اصول معتبر قانون اساسی، گویای این واقعیت است که قانون‌گذار ایرانی نسبت به تأمین آزادی‌ها و حقوق افراد جامعه نظر خاص و ویژه‌ای داشته است.

قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری اگرچه به صراحت به آن اشاره نکرده، ولی در صدد برآمدن تا در قالب موادی چون ماده ۲۴، ۱۲۷، ۱۲۸ و ۱۲۹، اجرای اصل برائت را در جریان دادرسی کیفری تضمین نماید. قانون‌گذار عادی اگرچه سعی کرده است در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی<sup>۲</sup> در جهت تأمین حقوق و تضمین آزادی متهم گام مشخصی بردارد، لیکن تأمین کامل حقوق و آزادی

۱. مجله حقوقی، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، ص ۳۵.

۲. مواد ۵۷۰ به بعد ق.م.ایران.

متهم در جریان دادرسی کیفری از تعقیب تا صدور رأی و اجرای حکم و تعمیق هر چه بهتر فرض برائت به قدم‌های مؤثرتری نیازمند است.

در حقوق فرانسه، ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مصوب ۲۶ اوت ۱۷۸۹ مجلس مؤسسان فرانسه مقرر می‌دارد:

«هر انسانی بی‌گناه است مگر آنکه بزهکاری او ثابت شود».

ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد مصوب ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ با عبارت «هر کس که به بزهکاری متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد»، بر ضرورت رعایت اصل برائت توسط دولت‌های عضو تأکید ورزیده است.

بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که کنوانسیون صیانت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نیز خوانده می‌شود و در سال ۱۹۷۴ در فرانسه قدرت اجرایی یافت، مقرر می‌دارد:

«هر فردی که مورد اتهامی قرار گیرد، بی‌گناه فرض می‌شود مگر آنکه مجرمیت او به طریق قانونی ثابت گردد».

ار ملاحظه مواد فوق و بند ۲ ماده ۱۴ منشور بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در سال ۱۹۸۱ در فرانسه قابلیت اجرا پیدا کرد، استنباط می‌گردد که اصل برائت در حقوق فرانسه اهمیت ویژه‌ای دارد و قانون‌گذار عادی فرانسه نیز موادی از قانون دادرسی کیفری مانند مواد ۱۱۴؛ ۱۱۹؛ ۱۲۰ و ۱۲۱ را در جهت تضمین اجرای آن و گسترش و تعمیق هر چه بیشتر حقوق و آزادی‌های متهم منظور نموده است.

مفهوم فرض برائت این است که هیچ انسانی پیش از اثبات مجرمیت او توسط دادگاه صالح؛ مجرم شناخته نمی‌شود و فرض بر این است که شخص متهم مجرم نیست و مقام قضایی نیز مکلف به شناخت مجرم است نه مجرم دانستن متهم. بی‌گناه دانستن متهم باید در طول دادرسی کیفری و در تعقیب، تحقیق، معاینات، بازرسی‌ها، ضبط اشیاء، بازجویی و غیره مورد توجه باشد و سؤال «آیا می‌توان دلایلی را که برای اثبات اتهام متهم جمع‌آوری شده و می‌شود، مخدوش کرد»، همیشه باید در جریان تحقیقات، معاینات محل و غیره همراه مقام قضایی وجود داشته باشد. بنابراین، در کنار هر نوع اقدامی که طبق قانون می‌تواند درباره متهم عملی نماید، نه تنها حق اجبار و اکراه و تحت فشار قرار دادن متهم را ندارد و اقدامات

سالب آزادی متهم هم نباید به گونه‌ای باشد که امکان دفاع از متهم گرفته شود، بلکه باید امکانات لازم برای دفاع را در اختیار متهم قرار دهد تا امکان اثبات بی‌گناهی خویش را داشته باشد.

### حق دفاع متهم

جرم ارتكابی به لحاظ اخلال در نظم و امنیت عمومی، نیازمند تعقیب به وسیله مدعی العموم است. تحصیل و جمع‌آوری دلایل که منظور از آن، تهیه کلیه عناصری است که امکان شناخت حقیقت را با صحیح‌ترین صورت فراهم سازد، به مقتضای قاعده «البینه علی المدعی» و وجود اصل براءت بر عهده مقام قضایی است نه متهم.

تکلیف ارائه دلیل بر مقام قضایی اگرچه مطلوب است و به نفع متهم تلقی می‌گردد، ولی دادن اختیارات مختلف و متنوع به مقام قضایی از قبیل معاینات محل، بازرسی‌ها، بازداشت و غیره و توجه نکردن به حقوق متهم ممکن است مسیر تحقیقات و معاینات را از جهت صحیح منحرف سازد، مثلاً ممکن است در حین معاینات و بازرسی‌ها به طور اتفاقی و یا به گونه‌ای حساب شده، اشیایی یافت شود که علی‌رغم بی‌گناهی متهم، بر مجرمیت او دلالت نماید.

بدیهی است عدم توجه به حقوق متهم و رعایت نکردن آن ممکن است به مجرمیت بی‌گناه و آزادی مجرم بیانجامد و اقداماتی که برای ترمیم اخلال در نظم و امنیت عمومی و جلوگیری از تضییع حقوق افراد جامعه صورت می‌گیرد، به اخلال در نظم و تضییع حقوق افراد منجر گردد.

بنابراین از یک طرف، باید چگونگی تحصیل دلیل و شیوه آن را مشخص کرد و ضوابطی را برای آن در نظر گرفت و رعایت آن را از مقامات قضایی و در برخی مواقع با ضمانت اجرای بطلان طلب نمود و از طرف دیگر امکانات قضایی لازم برای دفاع متهم را نزد قاضی، مقام تحقیق و ضابطین دادگستری در نظر گرفته، فراهم ساخت. به مجموع این تضمینات قانونی و قضایی که در سطح ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی برای افرادی که در مظان ارتكاب بزه قرار گیرند، در سراسر یک رسیدگی کیفری و با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه - به دور از اشتباهات قضایی - منظور گردیده است، حق دفاع متهم می‌گویند<sup>۱</sup> و ما به برخی از آنها که در تحقیقات مقدماتی نیز می‌تواند و یا باید مدنظر قرار گیرد، اشاره می‌کنیم.

۱. محمد آسوری، همان، ص ۱۴۴.

### حق داشتن وکیل

داشتن وکیل در کلیه مراحل دعاوی جزایی از حقوق افراد برای اجرای عدالت به شمار می‌آید. همه افراد از قوانین و مقررات کشور، آگاهی کافی ندارند. بسیاری از متهمین نمی‌توانند از حقوق خویش دفاع مناسب نمایند. دادستان و قاضی تحقیق که مسئول تعقیب و تحقیق به نمایندگی از عمومند، افرادی آگاه به قانون و حقوق دانند، عدالت اقتضا می‌کند که متهمین نیز با کمک حقوق دانان و افراد مطلع بتوانند از اتهامات وارده دفاع نمایند.

اصل سی و پنجم قانون اساسی مقرر می‌دارد:

«در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

این اصل در گذشته به این دلیل که از عنوان دادگاه در آن استفاده شده و تحقیقات و معاینات و بازجویی، وظیفه بازپرس و دادیار و دادستان و آنها هم عضو دادسرا بودند نه دادگاه، ناظر به دادگاه و منصرف از دادسرا تفسیر گردیده است، لذا هم در قانون آیین دادرسی کیفری سابق<sup>۱</sup> و هم در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری<sup>۲</sup>، حق داشتن وکیل برای متهم در جریان رسیدگی در محکمه مورد توجه قرار گرفته است.

حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در تبصره الحاقی به ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری سابق به این صورت مدنظر قرار گرفته است:

«متهم می‌تواند یک نفر از وکلای رسمی دادگستری را همراه خود داشته باشد، وکیل متهم بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه بازجویی می‌تواند مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بدانند به بازپرس تذکر دهد. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌گردد».

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری که با حذف دادسرا، تحقیق را از وظایف قاضی دادگاه دانسته است، به جای گسترش حیطه حضور وکیل در جریان تحقیقات و معاینات، به محدود کردن آن پرداخت و حضور وکیل را در مواردی که جنبه محرمانه دارد و یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و هم چنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور به اجازه دادگاه مبتنی کرد.<sup>۳</sup>

۲. مواد ۱۸۵ به بعد.

۱. مواد ۳۰۹ به بعد ف.ا.د.ک. سابق.

۳. تبصره ماده ۱۲۸ ف.ا.د.ک. ایران.

بنابراین، متهم در مرحله تحقیقات ابتدایی و نزد ضابطین دادگستری از جنین حقی برخوردار نیست و در مرحله تحقیقات مقدماتی تنها می‌تواند یک وکیل همراه خود داشته باشد و وکیل هم حاضر ناظری است که فقط حق تذکر به قاضی تحقیق پس از خاتمه بازجویی را دارا است، لیکن تکلیف مقام تحقیق به اعلام حق داشتن وکیل به متهم و قرار دادن پرونده در اختیار وکیل در مقررات حقوقی ایران وجود ندارد.

در حقوق فرانسه، متهم می‌تواند در جریان تحقیقات از وکیل استفاده کند، به علاوه بازپرس مکلف است حق داشتن وکیل را به اطلاع متهم برساند. بند ۳ ماده ۱۱۴ قانون دادرسی کیفری فرانسه مقرر می‌دارد: «بازپرس متهم را از حق داشتن وکیلی از بین وکلای مجاز (رسمی) و یا کارآموزان قضایی... مطلع می‌نماید». متهم در صورتی که توانایی مالی برای انتخاب وکیل نداشته باشد، وکیلی برای او انتخاب می‌شود. این انتخاب از طریق بازپرس و توسط رئیس کانون وکلا و در صورت فقدان کانون در محل توسط رئیس دادگاه جنحه به عمل می‌آید.<sup>۱</sup>

وکیل مدافع می‌تواند تقاضا کند که پرونده در اختیار وی جهت مطالعه قرار گیرد و بازپرس هم طبق رویه قضایی فرانسه، مکلف است پرونده کامل را در اختیار وکیل قرار دهد. بند ۲ ماده ۱۱۸ قانون دادرسی کیفری فرانسه برای مطالعه بهتر و بیشتر پرونده به وسیله وکیل مقرر کرده است که «حداقل چهار روز غیر تعطیل قبل از هر استنطاق از متهم وکیل مدافع باید به موجب نامه‌ای سفارشی و یا اخطاریه‌ای که باید به وکیل ابلاغ واقعی گردد، از جریان امر مطلع شود و پرونده دو روز غیر تعطیل قبل از هر تحقیق در اختیار وکیل مدافع قرار گیرد. طبق بند ۴ آن قانون، وکیل متهم حق دارد به هزینه شخصی، از تمام یا قسمتی از اوراق پرونده، کپی تهیه نماید و نیز حق دارد در پایان هر مواجهه و یا استنطاق نیز از صورت جلسه مربوط کپی تهیه نماید.

متهم حق دارد پس از نخستین حضور در محضر بازپرس آزادانه با وکیل خود به گفت و گو و مشاوره پردازد، حتی در مواردی که بازپرس، متهم را ممنوع الملاقات می‌کند، این ممنوعیت، شامل حال وکیل مدافع متهم نمی‌گردد.<sup>۲</sup>

طبق ماده ۴۶۳ ق.د.ک فرانسه، مداخله وکیل در تحقیقات ابتدایی که توسط پلیس قضایی در جرایم مشهود انجام و شخص متهم تحت نظر قرار می‌گیرد، پذیرفته شده است.

۱. بند ۳ ماده ۱۱۴ ق.د.ک فرانسه.

۲. محمد آشوری، عدالت کیفری، ص ۱۵۹.

این مداخله فقط بعد از ۲۰ ساعت از ابتدای تحت نظر ممکن است. ذی نفع می‌تواند وکیل یا انتخاب کند و یا انتخاب آن را به رئیس کانون وکلا واگذار کند.<sup>۱</sup> وکیل تعیین شده، می‌تواند با شخص تحت نظر در شرایطی که محرمانه بودن مذاکرات را تضمین می‌کند، صحبت کند.<sup>۲</sup> وکیل حق ندارد در مدت تحت نظر از این مذاکره با کسی صحبت نماید.<sup>۳</sup>

### حق حضور متهم

دفاع مؤثر متهم به ضرورت حضور متهم در معاینات محل و بازرسی منازل حکم می‌کند. حضور متهم به انجام بهتر و مطلوبتر معاینات و بازرسی‌ها کمک کرده، آگاهی متهم را تضمین و توانایی وی در دفاع از اتهامات وارده را بیشتر می‌نماید.

ماده ۷۸ ق.ا.د.ک. ایران مانند ماده ۱۷۳.د.ک سابق مقرر می‌دارد:

«... هنگام معاینه محل، اشخاصی که در امر جزایی شرکت دارند، می‌توانند حاضر شوند، لیکن عدم حضور آنان مانع انجام معاینه نخواهد بود».

ماده ۹۹ ق.ا.د.ک. ایران همانند ماده ۱۹۹.د.ک. سابق مقرر می‌دارد:

«اشخاصی که در امر جزایی دخیل هستند، می‌توانند در موقع تفتیش و بازرسی حاضر شوند؛ ولی سایر اشخاص نمی‌توانند داخل شوند مگر با اجازه صاحب‌خانه».

از دو ماده فوق استنباط می‌شود که اولاً؛ متهم حق حضور در معاینه محل و تفتیش و بازرسی منازل را دارد و قاضی نمی‌تواند از حضور آنان در معاینات و بازرسی‌ها جلوگیری نماید. ثانیاً؛ می‌تواند حاضر نشود، ولی عدم حضور وی مانع انجام معاینه و بازرسی نیست؛ یعنی از یک سو حضور متهم در معاینات و بازرسی‌ها الزامی نیست و از سوی دیگر مقام قضایی مکلف نشده است که معاینات و بازرسی‌ها را در حضور وی انجام دهد.

بنابراین، می‌توان گفت که مقام قضایی، مکلف است تصمیم به معاینه محل و بازرسی و زمان آن را برای استفاده متهم از حق خویش به اطلاع او برساند.

ماده ۲۵۳ آیین دادرسی کیفری سابق که ناظر به معاینات و تحقیقات توسط محکمه صلح است، مقرر می‌دارد: «معاینات و تحقیقات محلی در حضور دو نفر شاهد و اشخاصی که در امر جزایی شرکت داشته و حاضر شده‌اند به عمل می‌آید».

ظاهر این ماده که جای آن در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور

۲. بند ۳ ماده ۴۶۳ ق.د.ک فرانسه.

۱. ماده ۴۶۳ بند ۱ ق.د.ک فرانسه.

۳. بند ۵ ماده ۴۶۳ ق.د.ک فرانسه.

کیفری خالی است، حکم می‌کند که معاینات و تحقیقات محلی باید در حضور دو نفر شاهد و شرکای در امر جزایی انجام پذیرد.

در حقوق فرانسه، قانون‌گذار برای اینکه قانونی بودن کشفیات در معاینات و بازرسی منزل مورد تردید قرار نگیرد، مقرر کرده است که بازرسی منزل در جرایم مشهود باید در حضور شخصی که شرکت وی در جرم یا نگهداری مدارک جرم، مورد سوءظن است و یا در غیاب وی با حضور دو نفر شاهد صورت گیرد.<sup>۱</sup>

ماده ۹۵ ق.د.ک فرانسه نیز رعایت تشریفات جرم مشهود در ماده ۵۷ را در بازرسی منزل متهم به وسیله بازپرس اعلام می‌نماید، لذا بازرسی منزل متهم باید در حضور متهم که مسلماً نباید قبلاً از موضوع با خبر شود، صورت گیرد و اگر متهم نخواهد و یا نتواند حضور پیدا کند، از او خواسته می‌شود که در صورت حضور، به انتخاب خود نماینده‌ای را تعیین کند و در صورت غیبت یا امتناع، بازپرس دو نفر خارج از سلطه او انتخاب و از آنها حضور در جلسه بازرسی منزل و امضای صورت‌جلسه مربوط را درخواست می‌کند. زندانی بودن، مانع حضور نیست و می‌تواند از زندان خارج و در بازرسی منزل شرکت نماید.

به علاوه؛ در اقدام بازپرس به تأییدهای مادی جرم، اگرچه ماده ۹۲ ق.د.ک فرانسه حضور متهم یا مشاور وی را در صورتی که بازپرس طبق ماده فوق به محل وقوع جرم می‌رود، پیش‌بینی نکرده است، ولی در صورتی که هدف از معاینه، تشکیل مجدد کیفیات وقوع جرم باشد، آنها حضور خواهند داشت و این امر در صورتی که منظور از رفتن به محل تنها تأیید نبوده، بلکه شامل استماع شهود یا متهم نیز باشد، عملی می‌گردد.

### حفظ اسرار و رعایت راز حرفه‌ای

زندگی افراد جامعه معمولاً دارای رازها و اسراری است که ممکن است در امور شخصی، خانوادگی و یا شغلی وجود داشته باشند. اسرار شغلی، شخصی و خانوادگی از حقوق مهم و اساسی یک انسان به شمار می‌آید و افشای آنها با حقوق انسانی، مبین و ناسازگار است. این عمل ممکن است آثار زیانباری برای فرد در زندگی فردی و اجتماعی اش داشته، جریان حضور وی در جامعه و موقعیت شغلی و شرافت و حیثیت او را متزلزل نماید. بر این اساس،

۱. ماده ۵۷ ق.د.ک فرانسه.

قانون‌گذار ایرانی و فرانسوی بر این امر تأکید ورزیدند که اسرار مردم در هر زمینه‌ای باید مورد حمایت و محافظت قرار گیرد.

### ۱. حفظ راز حرفه‌ای توسط صاحبان حرف

برخی افراد در جامعه هستند که به تناسب شغل و حرفه‌ای که دارند، ممکن است به یک رشته از اسرار پی ببرند که حفظ آنها از لحاظ جزایی مورد حمایت قرار دارد. اصل اولیه در جریان کاری صاحبان فن این است که موظف به حفظ اسرار مردمند و مردم هم بر این اساس و یا به حکم ضرورت به آنها مراجعه می‌نمایند. مسئله مهم این‌جا است که آیا آنان می‌توانند و یا باید به مقام تحقیقی رجوع کرده، اطلاع دهند و یا صرفاً و تحت هر شرایطی مکلف به حفظ اسرارند و به عبارت دیگر حق و یا تکلیف رجوع به مقامات قضایی مقدم است و یا تکلیف حفظ اسرار افراد جامعه.

متون قانونی در حقوق جزایی ایران و فرانسه متضمن این نکته‌اند که افراد جز در موارد زیر حق افشای اسرار دیگران را ندارند:

۱. اجازه؛

۲. وجود دستور و نص قانونی.

ماده ۶۴۸ ق.م.ا.ایران مقرر می‌دارد:

«اطباء و جراحان و ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی اسرار مردم را افشا کنند به (حبس و یا جریمه نقدی) محکوم می‌شوند».

ماده ۳۷۸ قانون جزای فرانسه نیز افشای اسرار حرفه‌ای را جرم مستقل دانسته و مجازات حبس و یا غرامت برای مرتکب آن منظور نموده است. این قانون مواردی را که منافع عمومی و یا نفع خصوصی مشروع ایجاد می‌کند، استثنا کرده است، مثلاً اگر شخص مبتلا به یک بیماری مسری از معالجه خود سرباز زند و در بین مردم سبب اشاعه آن گردد، پزشک وی نمی‌تواند به بهانه حفظ راز حرفه‌ای سکوت نماید و جریان را برای حفظ منافع عمومی باید اطلاع دهد؛ به علاوه قوانین فرانسه موارد مشخصی را یادآوری می‌نمایند که صاحبان فن، مختار و یا مکلفند مقامات را از وقوع ماجرا مطلع نمایند. بند ۲ ماده ۶۲ و بند ۳ ماده ۳۷۸ قانون جزای فرانسه بر اساس تفسیر اکثریت، پزشک را مکلف به اعلام بدرفتاری‌هایی می‌نماید که نسبت به اطفال کمتر از ۱۵ سال انجام می‌یابد.



## ۲. حفظ راز حرفه‌ای در جریان تحقیقات

نیروهای انتظامی و پلیس و مقام تحقیقات و کارشناسان قضایی و غیره، افرادی هستند که در جریان تحقیقات ممکن است به اسرار افراد آگاه شوند و طبق قانون مکلف به حفظ راز حرفه‌ای می‌باشند.

ماده ۱۰۳ ق.ا.د.ک ایران مقرر می‌دارد:

«... قاضی مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیای متعلق به متهم با کمال احتیاط رفتار نموده و موجب افشای مضمون و محتوای آنها که ارتباط به جرم ندارد، نشود».

طبق ماده ۵۸۲ ق.م.ا، فاش کردن مطالبات به دست آمده از مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص بدون اجازه صاحبان آنها به وسیله مستخدم و مأمور دولتی جرم مستقل بوده و مجازات آن حبس یا جزای نقدی است.

در حقوق فرانسه به حفظ راز حرفه‌ای توجه فراوانی شده است و آن را از حقوقی به شمار آورده که عدم رعایت آن به بطلان تحقیق منجر می‌گردد. افسر پلیس قضایی باید قبلاً کلیه اقدامات لازم برای تأمین حرمت راز حرفه‌ای را پیش‌بینی<sup>۱</sup> و بازپرس هم باید کلیه تدابیر مفید برای تأمین احترام راز حرفه‌ای و حقوق دفاع را اتخاذ نماید،<sup>۲</sup> لذا برای حفظ مناسب راز حرفه‌ای در مورد بازرسی از منزل یک وکیل دادگستری، بازپرس باید به همراه رئیس کانون وکلا اقدام کند و در صورتی که بازرسی در دفتر کار یک طیب، یک سردفتر، یک آووا، یا یک مأمور ابلاغ و اجرا انجام می‌شود، بازپرس با حضور یک شخص مسئول نظام یا تشکیلات حرفه‌ای باید انجام دهد.<sup>۳</sup> شاهد که باید آنچه را که می‌تواند فاش کند و مطابق قسم خود متعهد به گفتن تمام حقیقت و نگفتن غیرحقیقت است، تنها رعایت راز حرفه‌ای او را از تعهدش آزاد می‌کند.<sup>۴</sup> بند ۲ ماده ۱۰۹ ق.د.ک مقرر می‌دارد:

«هر روزنامه‌نگاری که به عنوان شاهد در مورد اطلاعاتی که در اجرای فعالیت خود جمع‌آوری کرده است، شهادت می‌دهد در عدم افشای منشأ آن آزاد است».

قانون‌گذار فرانسوی در قانون جزای فرانسه نیز به آن توجه کرده و افشای اسرار تحقیقات را جرم مستقل دانسته و مجازات مرتکبین آن را همان مجازات فاش‌کنندگان راز حرفه‌ای به وسیله صاحبان فن قرار داده است. ماده ۱۱ قانون دادرسی کیفری مقرر می‌دارد:

«جز در مواردی که قانون‌طور دیگری مقرر بدارد و بدون ایراد آسیب به حقوق دفاع،

۱. بند ۳ ماده ۵۶ ق.د.ک فرانسه.

۲. بند ۳ ماده ۹۶ ق.د.ک فرانسه.

۳. بند ۱ ماده ۵۶ ق.د.ک فرانسه.

۴. بند ۱ ماده ۱۰۹ ق.د.ک فرانسه.

دادرسی در جریان رسیدگی‌های پلیسی و تحقیقات مقدماتی محرمانه است کلیه کسانی که در این دادرسی شرکت دارند مکلف به حفظ راز حرفه‌ای در شرایط و با مجازات‌های مواد ۳۷۸ قانون جزا هستند».

طبق مواد ۵۸ و ۹۸ قانون جزای فرانسه، افشای اسرار بازرسی جرم بوده و مجازات آن حبس و غرامت است.

نکته قابل یادآوری در این جا این است که قانون‌گذار برای تأمین احترام به رازهای خصوصی و حرفه‌ای تدابیری دیگر نیز اندیشیده است. از جمله اینکه هر مأموری در جریان تحقیقات، حق خواندن و اطلاع از اسناد و کاغذها را ندارد. تنها افسر پلیس قضایی و افرادی چون کارشناسان در جریان تحقیقات در مورد جرم مشهود، حق آگاهی از کاغذها و اسناد را دارند و مأموران ساده پلیس قضایی و معاون که آنان را به طور عادی یاری می‌دهند، حق قرائت آنها را ندارند.

در بازرسی از منزل وکیل و... در صورتی که موجبی برای جست و جوی اسناد وجود داشته باشد، تنها بازپرس است که حق دیدن کاغذهای کشف شده را که باز می‌کند دارد.<sup>۱</sup>

### حمایت از حقوق متهم و ضمانت اجرای آنها

#### حقوق ایران

دفاع، حق طبیعی و ذاتی بشر و کاملاً مجاز، ضروری و بدیهی است و از دیدگاه حقوقی و قانونی، به عنوان یک نوع حق مسلم و طبیعی برای افراد جامعه شناخته شده است. این امر از این جا سرچشمه می‌گیرد که هر فردی در جامعه دارای حقوقی است مثل حق آزادی، و سلب کردن هر یک از این حقوق، مغایر و خلاف حقوق انسانی است و شخصی که حق او نادیده انگاشته شده، حق دفاع خواهد داشت.

قوانین کشور باید در قالب مقررات مختلف، حقوق افراد جامعه را مورد حمایت قرار دهند و حمایت از حقوق افراد به دو طریق امکان‌پذیر است:

۱. تصریح به حقوق انسانی در قوانین کشور؛ یعنی در مقررات کشور تصریح گردد که مثلاً متهم می‌تواند در جریان تحقیقات مقدماتی و معاینات و بازرسی‌ها از وکیل دادگستری استفاده کند و مسئولین ملزم به رعایت آن هستند.

۱. بند ۱ ماده ۹۷ ق. د. ک فرانسه.

۲. در نظر گرفتن ضمانت اجرا برای آنها؛ بدیهی است که صرف اعلام حقوقی برای افراد جامعه از جمله متهم کفایت نمی‌کند و پیش‌بینی ضمانت اجرا برای رعایت آنها ضرورت دارد، چون در نظر گرفتن حق برای متهم از یک طرف و قرار ندادن ضمانت اجرا برای عدم رعایت آن از طرف دیگر به معنای بی‌اثر و یا کم‌اثر بودن تصریح به حقوق متهم است، یعنی اگر تحقیقات همراه با رعایت حقوق دفاعی متهم با تحقیقات به دور از رعایت آنها، مساوی و یکسان باشند ممکن است منجر به تضییع حقوق متهم گردد، لذا ضروری است که ضمن تصریح به حقوق اساسی افراد جامعه از جمله متهم در جریان دادرسی، ضمانت‌های اجرایی لازم برای تضمین آنها در نظر گرفته شود.

در حقوق ایران ضمانت اجرای بطلان برای تحقیقاتی که حقوق دفاعی متهم در آنها رعایت نشد، منظور نگردیده است. با این وجود و با توجه به ویژگی‌ها و کلیت مقررات قانونی و نقض برخی احکام در دادگاه‌های پژوهشی می‌توان گفت که در برخی از موارد، امکان بطلان تحقیقات وجود دارد که به دو مورد اشاره می‌کنیم:

الف) مقررات راجع به صلاحیت و تشکیلات مقامات تحقیق، الزامی بوده و عدم رعایت آنها موجب بطلان تحقیقات می‌باشد.

ب) هرگاه عدم رعایت مقررات و بی‌توجهی به حقوق افراد به اندازه‌ای اهمیت داشته باشد که در حکم مقام قضایی مؤثر بوده و آن را از اعتبار قانونی بیندازد، تحقیقات باطل خواهد شد.

#### حقوق فرانس

در حقوق فرانسه به ضمانت‌های اجرایی رعایت حقوق دفاعی و آزادی‌های فردی و متهم تأکید گردیده است و اقدامات تحقیقات مقدماتی اعم از اینکه از طرف خود بازپرس و یا کمک‌های وی انجام شود در صورت عدم رعایت بعضی از مقررات قانونی باطل می‌شوند. در حقوق فرانسه دو دسته بطلان وجود دارد:

۱. بطلان‌های قانونی؛

۲. بطلان‌های اساسی یا بالقوه.

#### بطلان‌های قانونی

این بطلان‌ها در مواردی که قانون برای رعایت یک تشریفات، صریحاً ضمانت اجرای بطلان پیش‌بینی کرده است، اجرا می‌شود. این بطلان‌ها در قوانین دادرسی کیفری پیش از ۱۹۹۳ در مواردی چون ماده ۳۰ بند ۲، ۵۹ بند ۳، ۷۸۳ بند آخر و ۳۹۳ بند ۴ وجود داشت،

قانون ۴ ژانویه ۱۹۹۳ با ترس از اینکه قضات و کارمندان به سادگی از رعایت تشریفات که قانون، ضمانت اجرای بطلان برای آنها پیش‌بینی نکرده است، خود را معاف کنند، بطلان‌های قانونی را افزایش داده، آنها را در ماده ۱۷۱ ق.د.ک که کمتر از ۱۹ مورد نبودند، جمع کرده بود. قانون ۲۴ اوت ۱۹۹۳، ماده ۱۷۱ ق.د.ک را که قانون ۴ ژانویه ایجاد کرده بود، لغو کرد و با حذف کلیه بطلان‌های قانونی، بطلان‌های قبلی را مجدداً برقرار نمود. با این وجود؛ ماده ۵۹ بند ۲ تشریفات قید شده در مواد ۵۶ (اشیای ضبط شده)، ۱-۵۶ (بازرسی در منزل یک وکیل دادگستری)، ۵۷ (بازرسی‌های منزل) و ماده ۳-۷۸ (بازرسی هویت) و ماده ۷-۱۰ (گوش دادن به یک خط تلفنی مربوط به دفتر یک وکیل دادگستری) و برخی موارد دیگر باقی مانده است.

## ۲. بطلان‌های اساسی

این بطلان‌ها در مواردی است که قانون آنها را صریحاً پیش‌بینی نکرده است. رویه قضایی فرانسه با استنباط از بند ۲ ماده ۴۰۸ قانون تحقیقات کیفری پذیرفته بود که بعضی تشریفات باید اساسی تلقی شده و عدم رعایت آنها موجب بطلان اقدام گردد. از طرف دیگر، یک تحول قانونی، دیوان کشور فرانسه را وادار کرده بود که کلیه اشکال لازم به رعایت حقوق دفاع را اساسی تلقی کرده و عملیاتی را که به این حقوق لطمه وارد می‌کرد با اینکه مخالف نص قانونی به نظر نمی‌رسد، از لحظه‌ای که به طور ساده، مخالف اصول کلی حقوق بود، باطل کند.

قانون دادرسی کیفری، این رویه قضایی را در ماده ۱۷۲ تأیید می‌کرد. قانون ۴ ژانویه ۱۹۹۳ به ماده ۱۷۲ محتوای زیر را داده بود؛ «هم‌چنین بطلان موقعی که عدم رعایت یک تشریفات اساسی به منافع طرف مربوط آسیب وارد کرده است وجود دارد.» قانون ۲۴ اوت ۱۹۹۳ بعد از لغو ماده ۱۷۱ و تمام محتوای آن قانون، به ماده ۱۷۲ ق.د.ک محتوای زیر را داده است: «بطلان وجود دارد. موقعی که عدم رعایت یک تشریفات اساسی پیش‌بینی شده با یکی از مقررات این مجموعه قوانین یا مقررات دیگر آیین دادرسی کیفری به منافع طرف مربوط آسیب وارد کرده است.»<sup>۱</sup>

بطلان ممکن است فقط محدود به یک اقدام تحقیقات مقدماتی باشد. در این صورت این اقدام باید کان لم یکن تلقی و از پرونده خارج شود.<sup>۲</sup> اگر این سند ضروری نباشد تعقیب

۲. بند ۳ ماده ۱۷۲ ق.د.ک فرانسه.

۱. رک: گاستون استفانی. همان، ج ۲، ص ۸۹۴-۸۹۲.

می تواند ادامه پیدا کند. در غیر این صورت تعقیب را باید در صورتی که هنوز ممکن باشد، مجدداً مطابق قانون شروع کرد.

طبق یک رویه قضایی، بطلان ممکن است فقط محدود به یک قسمت از اقدام غیرقانونی باشد. هم چنین بطلان ممکن است به اقداماتی که متعاقب اقدام غیرقانونی انجام و به این وسیله معیوب شده اند، گسترش یابد. بند ۲ ماده ۱۷۴ ق.د.ک مقرر می دارد: «شعبه اتهام در مورد محدود شدن بطلان به تمام یا قسمتی از اقدامات یا اسناد دادرسی مورد نظر تصمیم می گیرد».

گسترش دادن بطلان به اقداماتی که به هیچ وجه مربوط به اقدامات باطل شده نیستند، مورد ندارد. شعبه اتهام بعد از بطلان، بین طرح و در دست گرفتن تحقیقات مقدماتی یا ارسال پرونده تحقیقات مقدماتی به همان بازپرس و یا ارجاع آن به یک بازپرس دیگر حوزه خود، حق انتخاب دارد.

### ۳. ضمانت‌های اجرایی دیگر

غیر از بطلان اقدام، مجازات‌های دیگری ممکن است جانشین بطلان شده و یا با آن جمع شوند.

۱. مجازات‌های انضباطی: این مجازات‌ها ممکن است علیه مرتکب تقصیر حرفه‌ای (مدیر دفتر، افسر پلیس قضایی، بازپرس یا دادستان شهرستان) مورد حکم واقع شود.

۲. تعقیب‌هایی برای جبران خسارت‌های مدنی از طریق دعوی مسئولیت مدنی: قربانی اقدامات غیرقانونی می تواند جبران خسارت خود را با طرح دعوی خصوصی خود حسب مورد در دادگاه کیفری و یا مدنی دریافت کند.

۳. مسئولیت کیفری: فراوان‌ترین فرض آن در مورد دستورهای قهری بازپرس در مواد ۱۲۶ و ۱۳۶ ق.د.ک پیش‌بینی شده است.

۴. غیر از مجازات‌های انضباطی و یا کیفری، بعضی از دادگاه‌ها برای حذف اسناد غیرقانونی از مذاکرات، راه‌های انحرافی پیش‌بینی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

### نتیجه

نیروی انتظامی و دادرسی، مسئولیت برقراری و کنترل نظم و امنیت اجتماعی را بر عهده

۱. ر.ک: گاستون استغالی، همان، ج. ۱، ص ۴۹۲-۴۹۵ و ج ۲، ص ۹۰۳.

دارند. ارتکاب جرم علاوه بر ایجاد زیان برای زیان دیده، گویای تزلزل و نقص موجود در این مسئولیت است. این واقعیت، به طور طبیعی، آنان را به سمت برخورد با مجرم و متهم می‌کشاند و در نتیجه ممکن است به جای برخورد با مجرم، مجرم‌سازی شکل گیرد و تضییع حق از طرف یک شهروند عادی با تضییع حق از طرف یک مسئول پاسخ داده شود، لذا پیشنهاد می‌شود:

۱. نیروهای مسئول نظم در نیروی انتظامی و نهاد دادسرا به گونه‌ای تربیت و آموزش داده شوند که به هیچ عنوان، برای ترمیم کمبودهای مسئولیتی و بیان قدرت‌نمایی خویش، مجرم‌سازی را شیوه خود قرار ندهند و از هیچ تضییع حقی خشنود نشوند.
۲. انتظار کامل بودن نیروهای مسئول نظم و امنیت جامعه، یک انتظار غیر واقعی است و اگر محدودیت نباشد، وقوع تضییع حق، یک امر عادی و طبیعی است، لذا لازم است ترتیباتی اتخاذ شود تا حد امکان، دامنه تضییع حق تنگ گردد.
۳. استفاده از وکیل در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به جهت جلوگیری از تضییع حق به شکلی وسیع‌تر و دقیق‌تر از آنچه در قانون است، امری ضروری است، اولاً: باید به وکیل اجازه حضور در جریان تحقیقات و نظارت بر آن را داد؛ ثانیاً: در مواردی که به دلیل مسائل امنیتی، استفاده از وکیل ممنوع می‌شود، به جای ممنوعیت از وکلایی استفاده شود که حضور و اطلاع آنان، منافاتی با امنیت کشور نداشته باشد، ثالثاً: اجباری شدن استفاده از وکیل، امری لازم و مطلوب است به شرط اینکه موجب گریز افراد از پی‌گیری حق خویش و صرف نظر کردن از آن نشود.
۴. اساسی تلقی کردن برخی اقدامات در جریان تحقیق به وسیله ضابط دادگستری، ضروری است به این معنا که اگر اقدامی برخلاف مقررات انجام گرفت، باطل اعلام نشود و استناد به آن در جریان رسیدگی ممنوع باشد، مثل بازرسی غیر قانونی و...
۵. طبق قانون، اقرار نزد قاضی معتبر است نه اقرار نزد دیگران. به نظر می‌رسد که باید ساختاری شبیه به آن در محتویات دیگر پرونده کیفری به وجود آید و به عبارت دیگر این نکته که: «هرگاه عدم رعایت مقررات و بی‌توجهی به حقوق افراد به اندازه‌ای اهمیت داشته باشد که در حکم مقام قضایی مؤثر بوده و آن را از اعتبار قانونی بیندازد، تحقیقات باطل خواهد شد»، به شکلی سازمان یافته درآید و موارد تأثیرگذار آن مشخص گردد.

## فهرست منابع و مآخذ

۱. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، ج ۱ و ۲، چاپ سوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، چاپ دوم، تهران، سازمان سمت، ۱۳۷۶.
۳. \_\_\_\_\_، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶.
۴. \_\_\_\_\_، نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، شماره سوم.
۵. استفانی، گاستون و ژرژ لویاسور و برنار بولوک، آیین دادرسی کیفری (فرانسه)، ج ۱ و ۲، ترجمه حسن دادبان، چاپ اول، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷.
۶. اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸.
۷. اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مصوب ۲۶ اوت ۱۷۸۹.
۸. العرجی، مصطفی، حقوق الانسان فی الدعوی الجزائیة، الطبعة الاولى، بیروت، مؤسسه نوفل، ۱۹۸۹.
۹. انصاری، ولی‌الله، حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی)، دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی)، ۱۳۵۷.
۱۰. ترکی، محمد، مؤال، الضابطة العدلیة فی اجراءات الاستقصاء و التحقیق، دمشق، منشورات دارعلاءالدین، ۱۹۹۷.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ژرمبولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش، ۱۳۶۸.
۱۲. جمیل، حسن، حقوق الانسان و القانون الجنایی، معهد البحوث و الدراسات العربیة.
۱۳. حر عاملی، محمدبن‌الحسن، وسائل الشیعة، ج ۸، چاپ سوم، تهران، المكتبة الاسلامیة، ۱۳۹۷ ق.
۱۴. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.
۱۵. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰.
۱۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۱۷. کاتبی، حسینعلی، حق دفاع، مجله حقوق مردم، شماره ۳.
۱۸. محمدنژاد، پرویز، تضمین‌های حقوقی متهم در حقوق کیفری ایران، مجله اصلاح و تربیت ماهنامه داخلی مرکز آموزش و پژوهش سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، شماره ۵۸، ۱۳۷۸.
۱۹. مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، چاپ پنجم، تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۷۷.
۲۰. منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر از محمود صلواتی، چاپ اول، نشر تفکر، ۱۳۷۰.
۲۱. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶.
۲۲. هدایتی، محمدعلی، آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی